

کلمات قصار استاد مرحوم سید محمد علی نجفی یزدی

گزیده ای از کلمات قصار استاد

سید محمد علی نجفی یزدی (ره)



1

یکی از بزرگان می گفت : مرحوم شیخ مفید (ظاهراً ایشان را در خواب دیده بودند) ، با آن عظمت ! گفت در محاکمه ای  
اول قبر ، از ما پرسیدند : شیخ ! چه کردی ؟

کردم

دفعه خطاب آمد : « صَدَقَةٌ، صَدَقَةٌ، صَدَقَتَ » ترویج کردی . درست گفتمی ، راست گفتمی ، راست گفتمی .

کار تمام شد آنوقت یک سوالی آمد که زبانم بسته شد .

آن سوا لاین بود ، پرسیدند : شیخ ! خدمت کردی ! ترویج کردی برای اینکه اسلام ترویج شود بدون نسبت به کسی ؟ یا بگویند [ تو اسلام را ترویج کرده ای ؟

د و فعلا این سوال را به عقب انداختند .

ناست مجدداً این سوال را بکنند ! نتوانستم صاف جواب را بدهم . [ گفتند ] فکرهایت را بکن . جواب ما را بده .

خدایا ، ما کجا و راه کجا ؟ (از کتاب زبور اشک ، جلد اول ، ص 111)

xxx

الشهدا :

روایت دارد که بهشت از نور پایین آمد [ سید الشهداء آفریده شده . لذا آنهایی که می گویند ما در مجالس امام حسین(ع) خوش تر از بهشتیم بی خود نمی گویند . یک چیزی خدا به دلشان وا کرده . کسی که عاشق باشد می فهمد : گر شبی در خان [ جانانه مهمانت کنند گول نعمت را مخور مشغول صاحب خانه باش این صاحب بهشت است ، آن هم نه مثل صاحب های دنیوی . صاحبهای دنیوی مالکیت و صاحبیتشان مجرّی است . وقتی می گوید این [ آقا ] صاحب

به صورت و جمالش که نگاه کنی هم [ بهشت را یکجا و فشرده می بینی . لذا اصحاب آقا به آقا عرض کردند : " قربانت گردیم ! اگر آخرت و بهشتی هم نبود ، حسین جان ما دست از تو بر نمی داشتیم . کسی که تو را یافته دنبال چیز دیگری نیست آقا ! " (از کتاب زبور اشک ، جلد اول ، ص 106)

لطفا بدون ذکر منبع از مقاله استفاده نکنید .